

The Qur'anic Origin of the Metaphor of "Raḥmat" in the Supplications of Ṣaḥīfah Sajjadiyyah from a Cognitive Semantics Perspective

Fatemeh Zarei¹  ; Ali-Asghar Shahbazi²  ; Alireza Shaikhi³ 

1. Master's degree in Arabic Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Imam Khomeini (ra) International University, Qazvin, Iran. Email: fatemehzareii@gmail.com
2. Assistant Professor, Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Imam Khomeini (ra) International University, Qazvin, Iran. (Corresponding Author) Email: shahbazi@hum.ikiu.ac.ir
3. Associate Professor, Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Imam Khomeini (ra) International University, Qazvin, Iran. Email: shaikhi@hum.ikiu.ac.ir

Abstract

Cognitive linguistics is a relatively new approach in the field of linguistics, focusing not only on the theoretical aspects of language but also on its interaction with other phenomena such as the mind, rationality, environment, and social experiences. One of the central topics in cognitive semantics is the concept of "Conceptual metaphor." In this approach, metaphor is not merely a rhetorical device but rather a tool of thought—a phenomenon in which one conceptual domain is expressed through another. Religious and supplicatory texts are rich sources of cognitive metaphors, as they often deal with abstract and non-experiential concepts, which are structured using metaphorical systems. This study, using a descriptive-analytical method, seeks to explore the metaphor of the Arabic term "Raḥmat" in Ṣaḥīfah Sajjadiyyah and its Qur'anic origins, noting that many Qur'anic expressions are reflected throughout the supplications of this text. The research reveals that the abstract concept of the term "Raḥmat" in the epistemological system of Ṣaḥīfah Sajjadiyyah is shaped by experiential cognition and conceptual metaphors. This systematization and embodiment in Ṣaḥīfah Sajjadiyyah closely align with the Qur'anic verses. The most prominent method of concretizing the concept of "Raḥmat" in Ṣaḥīfah Sajjadiyyah, similar to the Qur'an, is through existential conceptual metaphors of "substance" and "container." In this collection, "Raḥmat" is conceptualized through domains such as shelter, destination, rain, treasure, taste, and others. It is also occasionally depicted through spatial orientation, where divine mercy is symbolized as being in an elevated position, while divine punishment and affliction are associated with lower positions—emphasizing the precedence of mercy [Raḥmat] over punishment.

Keywords: Conceptual metaphors, Divine mercy, Ṣaḥīfah Sajjadiyyah, Qur'an, Cognitive semantics

Received: 2024-02-17 | Received in revised from: 2024-05-21 | Accepted: 2024-06-30 | Published online: 2024-10-22

◆ How to cite: zarei, F., shahbazi, A., haikhi, A. (2024). The Qur'anic Origin of the Metaphor of "Raḥmat" in the Supplications of Ṣaḥīfah Sajjadiyyah from a Cognitive Semantics Perspective. *Stylistics Studies of the Holy Quran*, 8(2), 206-225. doi: [10.22034/sshq.2024.443027.1434](https://doi.org/10.22034/sshq.2024.443027.1434)

©The Author(s). Article type: Research Article Published by: Department of Qur'anic Exegesis and Sciences



خاستگاه قرآنی استعاره «رحمت» در نیایش‌های صحیفه سجادیه از منظر معناشناسی شناختی

فاطمه زارعی^۱ ID، علی اصغر شهبازی^۲ ID، علیرضا شیخی^۳ ID

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران. پست الکترونیک: fatemehzareii@gmail.com
۲. استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران. (نویسنده مسوول) پست الکترونیک: shahbazi@hum.ikiu.ac.ir
۳. دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران. پست الکترونیک: shaikhi@hum.ikiu.ac.ir

پژوهشی



چکیده

مطالعه شناختی زبان یکی از رویکردهای نوظهور در عرصه زبان‌شناسی است. در این رویکرد، افزون بر مطالعه جنبه‌های نظری زبان، تعامل زبان با مقوله‌های دیگری چون ذهن، قوه تعقل، رابطه با محیط و تجارب اجتماعی، بررسی می‌شود. یکی از مباحث مهم معناشناسی شناختی، مقوله «استعاره مفهومی» است. استعاره در این نگرش، صرفاً یک مبحث بلاغی نیست؛ بلکه ابزار اندیشه به‌شمار می‌آید؛ پدیده‌ای که براساس آن، یک حوزه مفهومی بنا بر مقوله مفهومی دیگر، بیان می‌گردد. متون دینی و دعایی از عرصه‌های پُرظهور استعاره‌های شناختی است؛ زیرا بسیاری از حوزه‌های انتزاعی و تجربه‌ناپذیر در این نوع از متون، به مدد نظام‌های استعاری دیگر، سامان می‌یابند. در جستار حاضر تلاش گردید با تکیه بر روش توصیفی-تحلیلی، مفهوم استعاری «رحمت» در صحیفه سجادیه و خاستگاه قرآنی آن بررسی شود؛ چه آن که بسیاری از گزاره‌های قرآنی در تار و پود نیایش‌های صحیفه، بازتاب دارد. این پژوهش، نشان می‌دهد مفهوم انتزاعی «رحمت» در نظام معرفتی صحیفه سجادیه در بستر شناخت تجربی و استعاره‌های مفهومی، تعیین یافته است که این نظام‌یافتگی و تجسم در صحیفه سجادیه با آیات قرآن تطابق فراوانی دارد. بیش‌ترین راهکار در عینی‌سازی مفهوم رحمت در صحیفه سجادیه، مانند آیات قرآن، استفاده از استعاره مفهومی وجودی از نوع «ماده» و «ظرف» است. «رحمت» در این مجموعه با حوزه‌هایی چون پناهگاه، مقصد، باران، گنجینه، طعم و مزه و... مفهوم‌سازی شده است. گاه نیز بر مبنای جهت‌گیری فیزیکی این مفهوم به تصویر درآمده است؛ یعنی رحمت الهی به مدد تجربه مکانی در موقعیت بالا و محنت و سزای الهی در جایگاه پایین، مفهوم‌سازی شده که حاکی از سبقت رحمت از عذاب الهی است.

واژگای کلیدی: استعاره‌های مفهومی؛ رحمت الهی؛ صحیفه سجادیه؛ قرآن کریم؛ معناشناسی شناختی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۲۸ | تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۳/۰۵ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۱۰ | تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۳/۰۸/۰۱

◆ استناد به این مقاله: زارعی، فاطمه، شهبازی، علی اصغر، شیخی، علیرضا. (۱۴۰۳). خاستگاه قرآنی استعاره «رحمت» در نیایش‌های صحیفه سجادیه از منظر معناشناسی شناختی. *مطالعات سبک‌شناختی قرآن کریم*، ۸(۲)، ۲۰۶-۲۲۵. doi: 10.22034/sshq.2024.443027.1434

© نویسندگان نوع مقاله: پژوهشی | ناشر: دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم



۱. مقدمه

صحیفه سجاده‌یہ دربردارنده نیایش‌های ناب عارفانه و متعالی است که از وحی الهی سرمشق گرفته و همواره زمزمه سالکان و عارفان حق بوده است. این اثر گران بها در میان دیگر متون دینی، با عناوینی چون «زبور آل محمد»، «انجیل اهل بیت (ع)»، «أخت القرآن» و غیره شناخته می‌شود. از آنجاکه متون دینی، به‌طور عام و مناجات و نیایش‌های عرفانی، به‌طور خاص، از ساز و کارهای شناختی چون استعاره‌های مفهومی، طرح‌واره‌های تصویری و مجازهای مفهومی برای مفهوم‌سازی امور انتزاعی و مجرد دینی بهره می‌گیرند، نگاه به دعا‌های «صحیفه سجاده‌یہ» در جایگاه یک اثر فاخر دینی از این منظر، در ادراک فضا‌های معرفتی و دریافت حقایق عرفانی و معنوی، مؤثر خواهد بود. در این مجموعه، علاوه بر مفاهیم متافیزیکی والا، مفاهیم عرفانی چون «رضا»، «بلاء»، «تسلیم»، «توکل» و غیره که ذاتاً ماهیتی انتزاعی و ذهنی دارند، با مفاهیم عینی باز‌نمایی می‌شوند تا ضمن بسط اندیشه و اقناع مخاطب، به مدد آن‌ها مفاهیم دور از دسترس تجربی نیز مفهوم‌سازی شوند. اغلب این استعاره‌ها، سرچشمه و منشأ قرآنی داشته و از جهان‌بینی قرآنی تأثیر پذیرفته‌اند؛ به بیانی دیگر، اندیشه دینی و عرفانی موجود در این مجموعه از نیایش‌ها، ریشه در وحی آسمانی داشته و در ارتباط تنگاتنگ با آن قرار دارند. ایزوتسو^۱ در بخشی از کتاب خود در باب تأثیرپذیری متون دیگر از قرآن، می‌نویسد: «به اعتبار زبان وحی بودن، این امر کاملاً طبیعی است که همه دستگاه‌های پس از قرآن، به‌صورتی ژرف، تحت تأثیر و نفوذ آن قرار گرفته باشند. همه آن‌ها، از لحاظ زبان‌شناختی، به درجات گوناگون وابسته به واژگان قرآن و ساخته شده بر شالوده آن هستند.» (ایزوتسو، ۱۳۹۸: ۵۲)

در زبان دعا، استعاره‌ها در مقام یکی از ابزارهای تصویرگری مفاهیم معرفتی و نکات دقیق تربیتی و اعتقادی قرار گرفته است. این ابزار شناختی، مفاهیم را از دایره مجرد ذهنی خارج ساخته و امکان ورود به فضا‌های فراحسی و غیرعینی، چون مرگ و زندگی را فراهم می‌سازد (پوراابراهیم، ۱۳۹۴: ۴۵-۴۶). به سخنی دیگر، استعاره‌ها با ایجاد «چشم‌اندازهای تازه، قدرت توصیفی ما را به شکلی توسعه می‌دهند که دیگر عبارات زبانی نمی‌توانند» (نورمحمدی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۶۲). این مسأله به‌طور خاص در متون دینی، شایان توجه است. زولتان کوچش^۲، از صاحب‌نظران حوزه استعاره شناختی، «مذهب» را یکی از حوزه‌های هدف، پراکنده و فاقد مرز برمی‌شمارد و معتقد است «جنبه‌های کلیدی مذهب شامل دیدگاه ما نسبت به خدا و روابط ما با خداست [...] دیگر جنبه‌های تجربه مذهبی شامل مفهوم‌سازی مقوله‌هایی چون ابدیت، زندگی پیش و پس از مرگ و مانند آن‌ها است که آشکارا استعاره‌ای‌اند. چون ما تجربه‌ای درباره آن‌ها نداریم» (کوچش، ۱۳۹۸: ۵۲)؛ بنابراین، نوع نگرش و ادراک امور تجربه‌ناپذیر شالوده استعاره‌ها را تشکیل می‌دهد و نظامی از

1) Toshihiko Izutsu.

2) Zoltan Kovacs.

مفاهیم را به فرهنگ عرضه می‌دارد. گفتنی است خود دعا و نقش آن در زندگی نیز به شکل استعاری نمایان شده است. استعاره‌های «دعا اسلحه است»، «دعا ستون است»، «دعا بُرنده است» و «دعا ردکننده است»، همگی برای انطباق بخشیدن قلمرو انتزاعی عملکرد دعا در زندگی انسان به قلمروهای حسی به خدمت گرفته شده‌اند و این انطباق‌ها از طریق طرح‌واره‌های قدرت، انسداد و مانع نشان داده شده‌اند (نصرتی و رگعی، ۱۳۹۹: ۳۲۶).

در نیایش‌های عرفانی امام سجاد(ع)، سخن از «رحمت» و پناه آوردن به رحمت و اسعۀ پروردگار بارها تکرار شده است. موهبتی که موجبات شناخت فضل الهی را برای بنده‌اش فراهم می‌آورد. تجسم این آموزه عرفانی در زبان دعا، در چارچوب استعاری صورت پذیرفته است. بررسی این مفهوم و دیگر مفاهیم انتزاعی در فرازهای ادعیه امام(ع) نشان‌دهنده آن است که چگونه با سازوکارهای شناختی، چون قائل شدن ابعاد فیزیکی یا جاندارپنداری برای اینگونه از مفاهیم، درک آن برای مخاطبان بیش از گذشته فراهم گشته است. تطبیق این نمونه‌ها با آیات قرآنی، نشان از ارتباط و خاستگاه قرآنی آن‌ها دارد.

شایان توجه است، علمای واژه‌پژوه باتوجه به بافت و موقعیت کاربرد «رحمت» در قرآن، معانی پرشماری برای آن ذکر کرده‌اند. اصل این واژه به همراه مشتقات آن ۳۴۴ مرتبه در قرآن به کار رفته است (عبدالباقی، بی تا: ۳۰۴-۳۰۹). در صحیفه سجادیه نیز این کلمه به تنهایی ۷۰ مرتبه و همراه با دیگر ساختارهای صرفی آن ۱۴۶ مرتبه تکرار شده است (ماجد و خیرالدین، ۲۰۰۷: ۲۱۲-۲۱۸). یحیی بن سلام (۱۲۴-۲۰۰ق) در کتاب «التصاریف» یازده دلالت و به تعبیر وی «وجه» قرآنی برای «رحمت» برشمرده است که عبارتند از: «دین اسلام، بهشت، باران، نبوت، نعمت، قرآن، رزق، نصر و گشایش، عافیت، مودت و ایمان» (ابن سلام، ۲۰۰۷: ۱۹۸/۱-۲۰۲). برخی دیگر از صاحبان کتب «الوجوه و النظائر» نیز دلالت‌های رحمت را تا هفده مورد دانسته‌اند و برآنند که گستره معنایی رحمت در آیات قرآن عام و ابزارهای آن متعدد است و نباید هریک از این وسائط را مرادف با «رحمت» دانست (المنجد، ۱۹۹۹: ۱۴۹-۱۵۰)؛ برای مثال در این آیات: ﴿فَفِي رَحْمَةِ اللَّهِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾ (آل عمران/ ۱۰۷)، ﴿يَنْشُرُ رَحْمَتَهُ وَهُوَ الْوَلِيُّ الْحَمِيدُ﴾ (شوری/ ۲۸) و ﴿يَدْخُلُ مَنْ يَشَاءُ فِي رَحْمَتِهِ﴾ (انسان/ ۳۱)، به ترتیب «بهشت»، «باران» و «اسلام» جزئی از وجوه معنایی رحمت به‌شمار می‌آیند. صاحب «مفردات»، «رقت» و «احسان» را دو معنای اصلی رحمت می‌داند و معتقد است نسبت «رحمت» به خداوند فقط به معنای احسان و فضلی است که در حق بندگانش روا می‌دارد (راغب اصفهانی، بی تا: ۱۹۱).

۱-۱. پرسش‌های پژوهش

در این جستار تلاش شد پس از بررسی و تبیین اقسام استعاره مفهومی «رحمت» در نیایش‌های صحیفه سجادیه، خوانشی روشن از بنیان و خاستگاه قرآنی این گزاره‌های استعاری بیان گردد. باتوجه به این مهم، پرسش‌های پژوهش حاضر به شرح ذیل است:

الف) در نیایش‌های صحیفه سجادیه مفهوم انتزاعی «رحمت» چگونه بازنمایی شده است؟
 ب) گونه‌های استعاری مفهوم «رحمت» در نیایش‌های صحیفه سجادیه چه میزان با آیات قرآنی انطباق دارد؟

۲-۱. پیشینه پژوهش

درباره هریک از کلیدواژه‌های اساسی این پژوهش، «صحیفه سجادیه»، «معناشناسی شناختی» و «استعاره‌های مفهومی»، به شکل مجزا و مستقل، پژوهش‌های فراوانی در قالب پایان‌نامه، مقاله و کتاب به انجام رسیده که احصاء و ذکر تمامی آن‌ها از عهده این مختصر خارج است؛ اما شماری از پژوهش‌هایی که در راستای جستار حاضر قرار دارد، به شرح ذیل است:

پورابراهیم (۱۳۹۴) در جستاری با عنوان «سازوکارهای شناختی و نقش آن‌ها در مفهوم‌سازی دعا»، سعی کرده است به این پرسش پاسخ دهد که کدام شاخص‌های شناختی زبان دعا را از زبان عادی متمایز می‌کند؟ نتیجه این جستار بیان‌گر آن است که به مدد سازوکارهای شناختی سازماندهی تفکر تسهیل می‌شود. همچنین بررسی شاخص‌های زبان ادبی در نظریه استعاره مفهومی، ابزار مناسب است تا نشان دهد یک متن تا چه حد ادبی و خلاق و تا چه میزان قراردادی و معمول است. ستوده‌نیا و محققیان (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «بینامتنی قرآن کریم با صحیفه سجادیه»، معتقدند انواع روابط بینامتنی چون بینامتنی ترکیبی، واژگانی، مضمونی و آوایی و نیز بینامتنیت شخصیت‌های قرآنی، میان صحیفه سجادیه و قرآن کریم ملاحظه می‌شود که بیشتر این تعاملات آگاهانه و به صورت نفی متوازی است؛ یعنی جوهره آیات در دل ادعیه تغییر نکرده است. خلف (۱۳۹۶) در مقاله «کارکرد استعاره و تأثیر آن بر القای مفاهیم انتزاعی و حالات روانی در صحیفه سجادیه» به بررسی شماری از استعاره‌های مفهومی در تصویرسازی مفاهیم انتزاعی و مجرد دعا‌های صحیفه سجادیه پرداخته است. بهروزی و شیرازی (۱۳۹۹) مفهوم «رحمت» را در پژوهشی با عنوان «بررسی طرح‌واره‌های تصویری «رحمة» در قرآن بر مبنای رویکرد زبان‌شناختی جانسون»، بررسی کرده‌اند. این پژوهش بیان‌گر این است که «رحمت» حوزه معنایی مادی و ذهنی و وسیعی در قرآن دارد و طی طرح‌واره‌های تصویری و فرآیند حجمی‌شدگی، حوزه معنایی خود را وسعت بخشیده است. شادمان و همکاران (۱۴۰۰) نیز در پژوهشی با عنوان «نقش استعاره‌های مفهومی در ترجمه صحیفه سجادیه از منظر زبان‌شناسی شناختی و الگوی لیکاف و جانسون» عملکرد مترجمان «الهی قمشه‌ای» و «موسوی گرمارودی» را در چگونگی برگردان استعاره‌ها در زبان مقصد سنجیده‌اند. زارعی (۱۴۰۱) نیز در پایان‌نامه‌ای با عنوان «بررسی استعاره‌های مفهومی در صحیفه سجادیه با تکیه بر معناشناسی شناختی»، به استخراج و تحلیل گونه‌های استعاره مفهومی در شماری از ادعیه صحیفه، پرداخته است. چنان‌که ملاحظه می‌شود در این جستارها و نمونه‌های مانند آن، خوانش شناختی مفهوم استعاری «رحمت»، یکی از مفاهیم اساسی در دعا‌های صحیفه سجادیه، به‌طور مستقل و مجزا

موردِ بحث نبوده است که امیدواریم این مختصر گامی بسیار خرد در این راستا باشد.

۲. مبانی نظری پژوهش

۲-۱. چیستی معناشناسی شناختی

زبان‌شناسان شناختی به مانند دیگر زبان‌شناسان، زبان را محور بحث‌های خود می‌دانند. آن‌ها در پی توصیف نظام، ماهیت و نقش زبانند و باتوجه به اینکه زبان الگوهای اندیشه و ویژگی‌های ذهن انسان را منعکس می‌کند، برای آن اهمیتی بسیار قائلند. در رویکرد شناختی، مسألهٔ استقلال زبان از دیگر قوای ذهنی و همچنین حوزه‌های زبان مردود است. آن‌ها معتقدند که زبان بازتابی از فضای ذهن انسان است؛ یعنی براساس تجربیات خود و با تکیه بر تعامل با جهان خارج، مفاهیم مختلف را در ذهن خود می‌سازد و این مفهوم‌سازی در زبان منعکس می‌شود؛ بنابراین، در این رویکرد، زبان ابزاری برای سامان بخشیدن به اطلاعات و تجربیات و انتقال آن به دیگران است (راسخ مهند، ۱۳۹۷: ۲۳). این نگاه به مفاهیم ذهنی و بازتاب عملکرد آن در زبان و ساخت مفهومی تجربیات، به تدریج در پژوهش‌های زبان‌شناختی قوت گرفت و خود را در قالب نظریه‌هایی چون «استعاره‌های مفهومی»، «طرح‌واره‌های تصویری» و غیره، آشکار ساخت. نخستین بار لیکاف در سال ۱۹۹۰م، اصطلاح «معناشناسی شناختی» را مطرح و اذعان داشت دانش زبانی جدا از اندیشیدن و شناخت نیست. این نظریه در تقابل با دیدگاه‌های فیلسوفانی چون جری فودر^۱ و زبان‌شناسانی مانند چامسکی^۲ بود.

۲-۲. ماهیت استعارهٔ شناختی و اجزای آن

در مورد استعاره دو دیدگاه عمدهٔ «کلاسیک» و «معاصر» وجود دارد. در دیدگاه کلاسیک، استعاره شیوهٔ بیانی بدیع یا شاعرانه تعریف می‌شود که طی آن یک یا چند واژه، یک مفهوم را خارج از معنای قراردادی، برای بیان مفهومی مشابه به کار می‌گیرند؛ اما در دیدگاه معاصر، استعاره را نگاشت بین حوزه‌ها در نظام مفهومی می‌دانند (لیکاف، ۱۹۹۲: ۲۰۲-۲۰۳) (۱۹۹۲: Lakoff, ۲۰۳-۲۰۲). جانسون در کتاب *بدن در ذهن* می‌نویسد: «استعاره یک ساختار شناختی عمده است که توسط آن می‌توانیم تجربه‌های منسجم و منظمی داشته باشیم تا دربارهٔ آن‌ها استدلال کنیم و از آن‌ها سر دربیاریم» (جانسون، ۱۳۹۶: ۱۸). بیش‌تر علمای زبان از دیرباز به تأسی از «*بوطیقای*» ارسطو استعاره را نوعی آرایهٔ ادبی بر پایهٔ مشابهت، می‌دانستند که مربوط به سطح زبان است (ارسطو، ۱۳۳۷: ۱۴۵). اما در سال ۱۹۸۰م، «جورج لیکاف»^۳ زبان‌شناس و

1) Jerry Fodor.
2) Chomsky.
3) George Lakoff.

«مارک جانسون»^۱ فیلسوف با انتشار مقاله‌ای در کتاب «استعاره و تفکر» و سپس انتشار کتاب استعاره‌هایی که به آن‌ها باور داریم^۲، با اتخاذ رویکرد شناختی در مطالعه این فرایند، نظریه معاصر استعاره را ارائه کردند که جایگاه استعاره را از زبان به ذهن منتقل می‌کرد. در نگرش آن‌ها، استعاره نه تنها ابزار انتقال اندیشه، بلکه شیوه اندیشیدن درباره جهان پیرامون بود. عمده تلاش آن‌ها متمرکز بر این بود که دریابند ذهن انسان چگونه حوزه‌های انتزاعی را بازنمایی می‌کند و بر چه پایه‌ای این حوزه‌های ناملموس و فاقد ساختار در ذهن سامان می‌یابند؟ گفتنی است اگرچه نقطه آغاز استعاره در حوزه شناختی را لیکاف و جانسون مطرح کردند؛ ولی پس از ایشان، صاحب‌نظران دیگری چون سوییتزر^۳ (۱۹۹۰)، ترنر^۴ (۱۹۹۱) و کوچش^۵ (۲۰۰۲) ابعاد تازه‌ای از استعاره مفهومی نمایان ساختند (افراشی، ۱۳۹۷: ۸). مطابق با رویکرد معیار استعاره در چهارچوب نظرات لیکاف و جانسون، استعاره‌ها در تجارب جسمی بشر ریشه دارند؛ برای نمونه، ما براساس ارتباط بین تجارب دوران کودکی خود، از آغوش پر مهر والدین و گرمای آرام‌بخش جسم که آن را همراهی می‌کند، به صورت استعاری «محبت» را «گرما» در نظر می‌گیریم. براساس این تجربه، استعاره مفهومی «محبت گرما است» شکل می‌گیرد. اندیشیدن بر پایه این استعاره و صحبت کردن در مورد محبت در لفظ گرما (برای مثال، ما رابطه گرمی داریم)، طبیعتاً از این تجربه نشئت می‌گیرد (کوچش، ۱۳۹۴: ۱۹).

۲-۱. حوزه‌های «مبدأ»^۶ و «مقصد»^۷ در نظام استعاری

در یک نگاه کلی، استعاره نوین به صورت فهم یک حوزه مفهومی برحسب حوزه مفهومی دیگر، تعریف می‌شود که حوزه مفهومی خود یک سازمان منسجم متشکل از تجربه‌ها است (کوچش، ۱۳۹۸: ۲۱). بر این پایه، استعاره الگوبرداری نظام‌مند بین حوزه‌های مفهومی، یعنی دو حوزه مبدأ و مقصد است که حوزه مقصد انتزاعی یا دور از تجربه آگاهانه است و قابلیت رؤیت ندارد؛ اما حوزه مبدأ در حیطه تجربه تجربیات محسوس بشری است؛ برای مثال، استعار، «الف ب است» را در نظر بگیرید؛ در اینجا یک حوزه انتزاعی و پیچیده، یعنی «الف»، با استفاده از حوزه عینی تر «ب» درک می‌شود. حوزه «ب» ساختاری ساده‌تر دارد و برای تجربه حسی راحت‌تر است (لیکاف و جانسون، ۱۳۹۷: ۷۹).

1) Mark Johnson.
2) Metaphors We Live By.
3) Sweetser.
4) Turner.
5) Kovecses.
6) Domain Source.
7) Target Source.

۲-۲-۲. نگاشت و نام‌نگاشت

نگاشت^۱ (انگاره) یکی از مفاهیمی است که از ریاضیات وارد حوزه استعاره مفهومی شده و به تناظرهای میان دو حوزه مبدأ و مقصد اشاره دارد. وقتی یک مفهوم را بر اساس انطباقات ادراکی به مفهومی دیگر ارتباط می‌دهیم، این تناظرها را «نگاشت» و عبارت و جمله استعاری را «نام‌نگاشت» می‌نامند؛ به عبارت دیگر، نگاشت مجموعه‌ای از تناظرهاست که شکل گزاره‌ای ندارد، ولی نام‌نگاشت‌ها معمولاً شکل گزاره‌ای و الگوی ثابتی دارند و باز نمود فرایند ذهنی استعاره به‌شمار می‌آیند (افراشی، ۱۳۹۷: ۱۱).

۲-۳. اقسام استعاره‌های مفهومی

الف) استعاره ساختاری: این قسم از استعاره زمانی است که فهمیدن یک مفهوم در قالب مفهوم دیگر شکل می‌یابد؛ در واقع، «حوزه مبدأ یک ساختار غنی از دانش را برای حوزه هدف فراهم می‌کند؛ به عبارت دیگر، نقش شناختی این استعاره‌ها این است که گویندگان را توانا می‌سازند تا هدف «الف» را از طریق ساختار مبدأ «ب» بفهمند. این فهم از طریق نگاشت مفهومی میان عناصر «الف» و عناصر «ب» عملی می‌شود» (کوچش، ۱۳۹۸: ۶۷). برای مثال، در استعاره «وقت طلا است»، ما مفهوم وقت را در قالب مفهوم «طلا» می‌فهمیم.

ب) استعاره جهتی (فضایی): در این قسم از استعاره، حوزه مقصد بر پایه جهات فیزیکی، مفهوم‌سازی می‌شود. از نگاه لیکاف و جانسون (۱۹۸۰) استعاره‌های جهتی دو دسته از مفاهیم را سازمان‌دهی می‌کنند: دسته اول مفاهیم ساده‌ای همانند بالا، پایین، جلو، عقب و غیره هستند که ما آن‌ها را به‌طور مستقیم و در پیوند با کارکردهای بدنی هرروزه خودمان درک می‌کنیم. دسته دوم مفاهیمی هستند که به‌طور مستقیم و آشکارا مربوط به فیزیک بدن ما نیستند، بلکه ریشه در تجربه روزمره ما که دارای جایگاه عظیمی در زمینه پیش‌فرض‌های فرهنگی ما است، دارند. این مفاهیم مربوط به قلمرو و قضاوت‌های ذهنی، احساسات و عواطف، عدالت و اموری مانند این‌ها می‌شوند (لیکاف و جانسون، ۱۳۹۴: ۳۱-۳۲).

ج) استعاره وجودی (هستی‌شناختی): به استعاره‌هایی گفته می‌شود که در آن‌ها حوادث، فعالیت‌ها، احساسات و اندیشه‌ها به‌مثابه هستی‌ها و مواد در نظر گرفته می‌شوند. نقش این استعاره‌ها ایجاد یک مبنای هستی‌شناسانه جدید برای یک مفهوم است (افراشی، ۱۳۹۷: ۲۷). این قسم از استعاره خود به سه نوع استعاره مادی (هستومند)، استعاره ظرف و جاندارانگار تقسیم می‌شود. استعاره‌های مادی، از جمله استعاره‌هایی هستند که براساس تجربه کردن اشیاء مادی و فیزیکی شکل می‌گیرند؛ یعنی در آن‌ها مفاهیم انتزاعی

- 1) Mapping.
- 2) Structurch metaphor
- 3) Orientational metaphor
- 4) Ontological metaphor

به‌مثابه یک هستومند یا موجودیت مجسم می‌شوند. به مدد استعاره‌های ظرف، پدیده‌های انتزاعی از حجم و ظرفیت مکانی برخوردار گشته و امکان تجسم آنها فراهم می‌گردد. در قسم سوم استعاره، یعنی جاندارانگار، یک شیء مادی در جایگاه یک شخص لحاظ می‌شود. این امر به ما این امکان را می‌دهد که تعداد زیادی از هویت غیر بشری را در قالب انگیزه‌ها، اوصاف و فعالیت‌های بشری بفهمیم.

۳. منشأ قرآنی استعاره‌های «رحمت» در نیایش‌های صحیفه سجادیه

به‌طورکلی، رابطه استعاره‌پردازی و پایه‌های فکری و فرهنگی رابطه‌ای تعاملی است و پایه‌های تجربی و فرهنگی در مفهوم‌سازی و توصیف مفاهیم انتزاعی نقشی برجسته دارند. توجه به قلمروهای حسی به کار گرفته شده در دعا‌های صحیفه و تطبیق آن با نظام نگاشت‌های مفهومی «رحمت» در آیات قرآن می‌تواند ریشه این استعاره‌ها و خاستگاه قرآنی آن‌ها را نمودار سازد. در ادامه، تلاش می‌شود ضمن خوانش استعاری شواهد «رحمت» از صحیفه سجادیه، رابطه آن با آیات قرآن تبیین گردد.

۱-۳. ظرف‌انگاری «رحمت»

۱-۱-۳. «رحمت» پناهگاه است

یکی از حوزه‌های مبدأ که برای ترسیم مفهوم معنوی رحمت در نیایش‌های صحیفه به کار رفته، «پناهگاه» است. یعنی رحمت الهی به شکل محیط فیزیکی «پناهگاه امن» و «ایستگاه آرامش» مفهوم‌سازی شده است که بنده خطاکار به آن پناه می‌آورد یا برای رسیدن به محبوب مدتی در آن منزل می‌کند؛ برای مثال در عبارات «اجْعَلْ لَنَا نَصِيبًا فِي رَحْمَتِكَ» (دعای ۵)، «نَجْتَمِعْ بِرَأْفَتِكَ فِي دَارِ كَرَامَتِكَ وَ مَحَلِّ مَغْفِرَتِكَ وَ رَحْمَتِكَ» (دعای ۲۴) و «لَا تَذُرْنَا بِرَحْمَتِكَ، مُوقِنًا أَنَّهُ لَا يُجِبِرُنِي مِنْكَ مُجِيرٌ» (دعای ۴۷)، مکان‌شدگی «رحمت» در کانون استعاری «مَحَلِّ مَغْفِرَتِكَ» و «بِرَحْمَتِكَ» ملاحظه می‌شود که در زیرساخت آن‌ها، مفهوم انتزاعی رحمت به‌صورت مکان امن و دربردارنده ابعاد ظاهری و مادی در ذهن، تصور می‌شود که بنده در آن آرام می‌یابد. وجود فعل «نَجْتَمِعْ» و اسم فاعل «لَا تَذُرْنَا» تجربه مکان‌مندی رحمت را افاده می‌سازد. جانسون (۱۹۸۷) معتقد است انسان‌ها به‌واسطه تجربه قرار گرفتن در اتاق، خانه و دیگر مکان‌هایی که حکم ظرف دارند، به برخی از مفاهیم انتزاعی و مجرد نیز حجمی در نظر می‌گیرند که دارای داخل و خارجند و می‌توان به آن وارد شد یا از آن خارج گردید (همان: ۲۱).

۲-۱-۳. «رحمت» مقصد است

نمونه دیگری که در آن بُعدی از ماهیت مکان‌مند «رحمت» نمایان می‌شود، این بند از دعای بیست و یکم صحیفه است: «اجْعَلْ تَقْوَاكَ مِنَ الدُّنْيَا زَادِي، وَإِلِي رَحْمَتِكَ رِحْلَتِي، وَفِي مَرْضَاتِكَ

مَدْخَلِي» (دعای ۲۱) که در آن «رحمت» به‌مثابه مقصد و منزلگاه نهائی است که سفر سالک به آنجا منتهی می‌شود و امام (ع) در نیایش خود در طلب رسیدن به آن است. «رحمت» و «مرضاة» در شاهد بالا به مدد حروف جاره به‌مثابه ظروفی مجسم شده‌اند که می‌توان وارد آن شد. با این توصیف این دو مفهوم مجرد، مبنای تجربی بر خود یافته‌اند. شایان توجه است که این مطلب را در مفهوم‌سازی آموزش و مغفرت در دعای بیستم صحیفه نیز شاهدیم: «اللَّهُمَّ إِلَيَّ مَغْفِرَتِكَ وَفَدْتُ، وَإِلَى عَفْوِكَ قَصَدْتُ» (دعای ۲۰) که مغفرت الهی متناظر با مقصد و مکانی است که بنده به سوی آن حرکت می‌کند؛ در واقع، تناظر قلمرو تجربی، یعنی مکان، به‌عنوان حوزه مبدأ با قلمرو مقصد، در اینجا آموزش خداوند، پایه شکل‌گیری این استعاره شده است تا غرض حرکت و سلوک عرفانی در بیان امام سجاد (ع) قابل انتقال باشد.

۳-۱-۳. «رحمت» آبشخور است

نگاشت استعاری بر مبنای جهت بیرون-درون نیز یکی از اقسام استعاره‌های وجودی از نوع «ظرف» است که در مفهوم‌سازی مقوله «رحمت» به کار رفته است. بر پایه این قسم از استعاره، انسان بر مبنای موقعیت فیزیکی خود به پدیده‌های جهان می‌نگرد. در نیایش‌های امام سجاد (ع)، «رحمت» به‌مثابه آبشخوری است که امکان ورود به آن وجود دارد: «أَفْرِشْنِي مَهَادَ كَرَامَتِكَ، وَأُورِدْنِي مَشَارِعَ رَحْمَتِكَ» (دعای ۴۱)

قابل ذکر است، ریشه مکان‌وارگی «رحمت» را باید در آیات قرآن جستجو کرد و استعاره‌های صحیفه را محصول گفتمان قرآنی و تأثیرات آن دانست؛ آیاتی که در آن‌ها «رحمت» متناظر با یک فضای فیزیکی مجسم گشته است که صالحان امکان ورود به آن را دارند. این نوع از استعاره در قرآن فراوانی بالایی دارد. برای مثال: ﴿فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَاعْتَصَمُوا بِهِ فَسَيُدْخِلُهُمْ فِي رَحْمَةٍ مِنْهُ﴾ (نساء: ۱۷۵)، ﴿قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِإِخْوِي وَأَدْخِلْنَا فِي رَحْمَتِكَ﴾ (اعراف: ۱۵۱)، ﴿وَأَدْخَلْنَاهُمْ فِي رَحْمَتِنَا إِنَّهُمْ مِنَ الصَّالِحِينَ﴾ (انبیاء: ۸۶)، ﴿يُدْخِلُهُمْ رَبُّهُمْ فِي رَحْمَتِهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْمُبِينُ﴾ (جاثیه: ۳۰) و ﴿يُدْخِلُ مَنْ يَشَاءُ فِي رَحْمَتِهِ﴾ (انسان: ۳۱). وجود حرف جاره «فی» و فعل «دخل» در این آیات در ایجاد این تناظر، نقش آفرین است. ابن عاشور می‌نویسد: «تعبیر «يُدْخِلُهُمْ فِي رَحْمَةٍ» در برگرفته اقسام کرامت و نعمتی است که ذهن آن را مجسم می‌سازد؛ چراکه «رحمت» خداوند به منزله مکانی است که مؤمنان به آن وارد می‌شوند» (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۲۵/۳۸۵). «رحمت» از نظر ادبی نیز در آیات بالا مجاز مرسل به علاقه‌حالیه بوده و مراد از آن رضوان و بهشت الهی است (درویش، ۱۴۱۵: ۱۷/۲). یا در آیه دیگر چنین آمده است: ﴿فَضْرَبَ بَيْنَهُمْ بِسُورٍ لَهُ بَابٌ بَاطِنُهُ فِيهِ الرَّحْمَةُ وَظَاهِرُهُ مِنْ قِبَلِهِ الْعَذَابُ﴾ (حدید: ۱۳)، در تفسیر «المیزان» در توضیح این آیه آمده است: «اینکه دیوار مذکور داخلش که به طرف مؤمنین است، طوری است که مشتمل بر رحمت است و ظاهرش که به طرف منافقین است، مشتمل بر عذاب است، با وضعی که

ایمان در دنیا دارد مناسب است؛ چون ایمان هم در دنیا نظیر همان دیوار آخرت، برای اهل اخلاص از مؤمنین نعمت و رحمت بود و از داشتن آن شادی و مسرت می‌کردند و همین ایمان برای اهل نفاق عذاب بود، از پذیرفتنش شانه خالی می‌کردند و اصلاً از آن ناراحت و متنفر بودند.» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۹/۲۷۶)

۴-۳. «رحمت» دارای حجم است

در برخی از شواهد صحیفه، مفهوم «رحمت» در قالب یک ظرف دارای حجم فیزیکی، عینی‌سازی شده است که قابلیت گسترده‌گی و افزایش دارد. در نگاه لیکاف و جانسون تجربه‌ای که انسان از وجود فیزیکی خود مبنی بر اشغال بخشی از فضا دارد، درک مفهوم انتزاعی «حجم» و بازنمایی مفاهیم معرفتی از خلال آن فراهم می‌گردد. در مثال‌های زیر طرح‌واره حجمی در تبیین نگرش به رحمت الهی حضور دارد:

«لَمْ يَمْنَعَكَ طُولُ عُكُوفِهِمْ عَلَى عَظِيمِ الْجُرْمِ أَنْ عُدْتَ عَلَيْهِمْ بِالرَّحْمَةِ وَالْمَغْفِرَةِ. فَبِمَا مِنْ رَحْمَتِهِ وَأَسْعَةً، وَعَفْوُهُ عَظِيمٌ!» (دعای ۴۸)

«بِرَأْفَتِكَ الَّتِي لَا تَنْقُصُ، وَفَضْلِكَ الَّذِي لَا يَنْقُصُ.» (دعای ۴۵)

«لِلْمَغْفِرَتِكَ وَرَحْمَتِكَ أَوْسَعُ مِنْ ذُنُوبِي.» (دعای ۴۸)

محبت و آمرزش الهی مفهومی انتزاعی و فاقد ابعاد فیزیکی است؛ اما چنان‌که ملاحظه می‌شود، برای ترسیم آن در زبان دعا از حجم بهره‌مند گشته است. در شاهد نخست، تقابل مفهوم «گناه» با مفهوم «رحمت» از طریق طرح‌واره حجمی، از این حقیقت دینی پرده برمی‌دارد که با وجود بزرگی گناه، «رحمت» و احسان الهی شامل بنده خطاکار می‌گردد و وی از گستره عظیم رحمت پروردگار بهره‌مند خواهد شد. خاستگاه این استعاره را نیز در دستگاه قرآنی می‌توان مشاهده کرد. حجم فیزیکی رحمت در این آیات نیز ملاحظه می‌شود: ﴿إِلَّا رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ إِنَّ فَضْلَهُ كَانَ عَلَيْكَ كَبِيرًا﴾ (اسراء/ ۸۷)، ﴿فَقُلْ رَبُّكُمْ ذُو رَحْمَةٍ وَأَسِعَةٍ﴾ (انعام/ ۱۴۷)؛ باید دانست که گسترده‌گی رحمت الهی، مانع از کیفر کردن او نیست؛ هرچند کیفر او نیز در مسیر تربیت انسان و از رحمت و ربوبیت او سرچشمه می‌گیرد. قابل ذکر است یکی از نیروی‌های بازدارنده رحمت الهی در صحیفه سجادیه، گناه است که آن نیز به شکل استعاری مفهوم‌سازی شده است (زارعی، ۱۴۰۱: ۶۲-۷۰)؛ برای مثال، امام علیه السلام در این بند از دعای شانزدهم: «وَهَذَا ظَهْرِي قَدْ أَثْقَلْتَهُ الْخَطَايَا» (دعای ۱۶)، با عینی‌سازی مفهوم گناه و تجسم حسی آن به پیامدهای ناگوار آن هشدار می‌دهد. در این آیات از سوره عنکبوت نیز گناهان چون باری بر دوش فاعل آن حمل می‌شود: ﴿وَلَنَحْمِلُ خَطَايَاكُمْ وَمَا هُمْ بِحَامِلِينَ مِنْ خَطَايَاهُمْ مِنْ شَيْءٍ﴾ (عنکبوت/ ۱۲)، ﴿وَلِيَحْمِلَنَّ أَثْقَالَهُمْ وَأَثْقَالًا مَعَ أَثْقَالِهِمْ وَلِيَسْتَلْنَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَمَّا كَانُوا يَفْتَرُونَ﴾ (عنکبوت/ ۱۳).

۲-۳. مفهوم‌سازی مادی «رحمت»

۱-۲-۳. «رحمت» باران است

یکی از جلوه‌های تجسّم مادی مفهوم «رحمت» در نیایش‌های امام سجّاد، مفهوم‌سازی براساس باران است که برگرفته از این نگرش قرآنی است: ﴿هُوَ الَّذِي يُنَزِّلُ الْغَيْثَ مِنْ بَعْدِ مَا قَنَطُوا وَيَنْشُرُ رَحْمَتَهُ﴾ (شوری/ ۲۸)، ﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ﴾ (فرقان/ ۴۸)، ﴿يُرْسِلِ الرِّيحَ مَبْشُرَاتٍ وَلِيَذِّبَكُمْ مِنْ رَحْمَتِهِ﴾ (روم/ ۴۶) و ﴿فَانظُرْ إِلَى آثَارِ رَحْمَتِ اللَّهِ، كَيْفَ يُخَيِّ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا﴾ (روم/ ۵۰). از نگاه مفسران مراد از رحمت در این آیات، بارانی است که از ابرها فرو می‌ریزد و در پی آن نعمت‌های فراوان به وجود می‌آیند. صاحب «المیزان» در تفسیر آیه اخیر، می‌نویسد: «در اینجا مراد از رحمت خدا بارانی است که از ابرها فرو می‌ریزد و کیفیت زنده کردن زمین از آثار رحمت خدا به شمار می‌آید. نباتات، اشجار و میوه‌ها از آثار زنده شدن زمین است، با اینکه خود آن‌ها نیز از آثار رحمت هستند» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۶/ ۳۰۴). نام‌نگاشت استعاری «رحمت باران است» در دو مورد از دعاهای امام سجّاد (ع) ملاحظه می‌شود که با اثرپذیری از قرآن، رحمت مادی و قابل لمس مجسّم شده و در ذیل استعاره، وجودی هستومند قرار می‌گیرد. در عبارت‌های «أَنْشُرُ عَلَيْنَا رَحْمَتَكَ بِغَيْثِكَ الْمُعْدِقِ» (دعای ۱۹) و «سَحَائِبُ نِعْمٍ أَمْطَرْتَهَا عَلَيَّ، وَجَدَاوِلُ رَحْمَةٍ نَشَرْتَهَا» (دعای ۴۹)، باهم آیی فعل «نَشَرُ» با «رحمت» در این عبارات، بیان‌گر شمول «رحمت» پروردگار بر تمام هستی است؛ گویی «رحمت» الهی فیضی گسترده بر همه عوالم است که همه هستی را فرا می‌گیرد (مصطفوی، ۱۳۸۵: ۱۰۱/۴).

۲-۲-۳. «رحمت» گنجینه است

«يَا مَنْ لَا تَفْنَى خَزَائِنِ رَحْمَتِهِ، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلْ لَنَا نَصِيبًا فِي رَحْمَتِكَ» (دعای ۵)
«فَإِنَّ فَضْلَكَ لَا يَغِيضُ، وَإِنَّ خَزَائِنَكَ لَا تَنْقُصُ بَلْ تَفِيضُ، وَإِنَّ مَعَادِنَ إِحْسَانِكَ لَا تَفْنَى» (دعای ۴۵)
«وَإِبْسَاطُ يَدِهِ عَلَيَّ أَعْدَائِكَ، وَهَبْ لَنَا رَأْفَتَهُ، وَرَحْمَتَهُ وَتَعَطَّفَهُ وَتَحَنَّنَهُ» (دعای ۴۷)

در این سطور، «رحمت» الهی شیء ارزشمند و هدیه گران‌بهرائی است که انسان‌ها طالب آن هستند و مالکیت آن نزد خداوند متعال است. تناظر میان «شیء گران‌بها» و «رحمت»، در تقریب حوزه مقصد به ذهن نقش‌آفرین بوده و ماهیت معرفت‌شناختی این استعاره را بهتر جلوه می‌دهد؛ چنان‌که با کنار هم قرار دادن حوزه مبدأ «رحمت» و چگونگی ترسیم آن، ابعاد ناملموس این حوزه روشن می‌گردد. در تفسیر «المیزان» در باب کاربرد «رحمت» به جای «رزق» یا «شیء گران‌بها»، آمده است: «افاضة حق تعالی ناشی از صرف رحمت است و بس، و توقع هیچ سود و کمالی برای خود ندارد، نه می‌خواهد از افاضة نعمت به بندگان سودی ببرد و نه کمالی به دست آورد» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۷/۱۷). در عبارت دوم، مفهوم انتزاعی فضل و «رحمت» به‌مثابه یک خانه در نظر گرفته شده‌اند که در ادامه یکی

از ابزارآلات مورد استفاده در خانه، به عبارتی کلید، برای عینی‌سازی این دو مفهوم به کار برده شده است. در نیایش چهلم نیز این مفهوم‌سازی به گونه عینی تری آمده است: «اجْعَلْهُ بَاباً مِنْ أَبْوَابِ مَغْفِرَتِكَ، وَمِفْتَاحاً مِنْ مَفَاتِيحِ رَحْمَتِكَ» (دعای ۴۰). با این توضیحات، مجموعه تناظرهای نگاشت بالا در شکل ذیل ملاحظه می‌شود:



شکل ۲: رحمت گنجینه است

این برداشت مادی از مفهوم «رحمت» و عینی‌سازی آن به شکل شیء ارزشمند، سرمنشأ قرآنی دارد؛ مفسران در تفسیر این آیات: «قُلْ لَوْ أَنْتُمْ تَمْلِكُونَ خَزَائِنَ رَحْمَةِ رَبِّي إِذًا لَأَمْسَكْتُمْ خَشْيَةَ الْإِنْفَاقِ» (اسراء: ۱۰۰)، «أَمْ عِنْدَهُمْ خَزَائِنُ رَحْمَةِ رَبِّكَ الْعَزِيزِ الْوَهَّابِ» (ص / ۱۰۹)، اغلب «رحمت» را در دو معنای مجازی «رزق و مال» و معنای «رسالت و نبوت» آورده‌اند (طبرسی، ۱۴۰۸: ۷۲۸ / ۸). در تفسیر «التحریر والتنوير»، آمده است: «خزائن جمع خزانه محلی است که دارایی یا غذا نگهداری می‌شود. جمع آن دلالت بر این دارد که خداوند در مراتب عالم، خزینه‌های متعدّد دارد. رحمت نیز همانند شیء نفیس ارزشمندی است که انسان‌ها طالب آن هستند.» (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۱۱۹ / ۲۳)

۳-۲-۳. «رحمت» طعم و مزه است

یکی دیگر از حوزه‌های رایج مبدأ که به فهم مقوله‌های هدف ناشی می‌شود، تکیه بر حواس ادراکی است تا در بستر آن، حوزه‌های ذهنی و مجرد مقصد نظام یابند. در این میان تکیه بر حس چشایی از جمله مواردی است که در انتقال مقوله انتزاعی «رحمت» در نیایش‌های صحیفه به کار رفته است؛ برای مثال در عبارتهای زیر:

«وَأَوْجِدُنِي بَرْدَ عَفْوِكَ وَحَلَاوَةَ رَحْمَتِكَ وَرَوْحِكَ وَرِيحَانِكَ» (دعای ۴۷)

«أَذِقْنِي حَلَاوَةَ الْمَغْفِرَةِ، وَاجْعَلْنِي طَلِيقَ عَفْوِكَ، وَعَتِيقَ رَحْمَتِكَ» (دعای ۱۶)

«وَأَذِقْنِي حَلَاوَةَ الصَّنْعِ فِيمَا سَأَلْتُ، وَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً وَفَرَجاً هَنِيباً» (دعای ۷)

در این مثال‌ها، برای مفاهیم ناملموس «رحمت» و «آمزش»، «طعم» و «مزه» ذکر شده است که از ویژگی امور مادی است تا لذت و حس بهره‌مندی از این اوصاف، با محوریت مزه شیرین، برای مخاطبان، درک‌پذیر گردد. صفت «شیرین» حوزه مبدأ و مفاهیم «رحمت» و «آمزش» حوزه مقصد هستند که ترکیب استعاری آن‌ها حس خوشایندی را نمایان می‌سازد.

با دقت در این شواهد و نمونه‌های مشابه دیگر در صحیفه، ارتباط تنگاتنگ و تأثیرپذیری مستقیم آن از قرآن را شاهدیم؛ با این تفاوت که تکیه بر مفهوم استعاره ذائقه در دعاها صحیفه، فقط برای خیر بوده، ولی در قرآن اغلب برای عذاب به کار رفته است (۵۳ مرتبه عذاب، ۸ مرتبه رحمت)؛ به عبارتی، اصل «ذوق» در کاربرد قرآنی آن ادراک با یکی از حواس است؛ یعنی ممکن است این ادراک با زبان یا حس لامسه باشد، اما کاربرد «ذوق» برای عذاب یا «رحمت» از آن روست که اولین و به تعبیری کم‌ترین مرتبه از دریافت جزاء است؛ چه آن که انسان تحمل و ظرفیت «رحمت» یا عذاب بالای الهی را نخواهد داشت و فقط چشاندن طعم آن برای وی کافی است (مصطفوی، ۱۳۸۵: ۳/ ۳۷۶-۳۷۷). در تفسیر «المیزان» در توضیح این واژه در آیه نهم سوره هود، آمده است: ﴿وَلَكِنَّ أَدُقْنَا الْإِنْسَانَ مِمَّا رَحْمَةً ثُمَّ نَزَعْنَاهَا مِنْهُ إِنَّهُ لَيُؤْسُ كَفُورٌ﴾ (هود: ۹). کلمه «ذوق» به معنای آن است که چیزی را برای اینکه بفهمی چه طعمی دارد در دهان بگذاری. اگر خدای سبحان در این آیه حلال کردن لذت‌ها را برای انسان‌ها اذقه و چشاندن خوانده، برای این است که بفهماند لذات دنیا مانند طعم غذاها ناپایدار است و به‌سرعت از بین می‌رود و در این آیه، «رحمت» به جای نعمت به کار رفته است؛ با اینکه نعمت چشیدنی است نه «رحمت» و دلیل کاربرد «رحمت»، برای این است که اشاره کند به اینکه هر نعمتی که خدای تعالی به انسان می‌دهد، مصداقی از رحمت خدا است، زیرا حاجتی از انسان را برطرف می‌سازد؛ درحالی که خود انسان استحقاق آن را ندارد و طلبکار از خدای تعالی نیست. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۰/ ۲۳۳)

۳-۳. انسان‌نگاری «رحمت»

از مصادیق برجسته استعاره مفهومی «رحمت» در نیایش‌های صحیفه سجادیه، انسان‌نگاری^۱ است که با تشکیل زیراستعاره‌های متنوع، در توصیف و تجسم‌بخشی قلمرو مبهم و انتزاعی «رحمت»، نقشی برجسته ایفا می‌کند. در شواهد زیر، عینیت مفهوم «رحمت» ناشی از پیوند آن با حوزه مبدأ، یعنی تجربه‌های روزانه انسان، دارد:

«أَنْتَ الَّذِي تَسْعَى رَحْمَتُهُ أَمَامَ غَضَبِهِ» (دعای ۱۶)

«فَضْلِكَ أَنْسَنِي، وَإِحْسَانُكَ دَلَّنِي» (دعای ۱۳)

«كَمْ قَدْ لَحِقَتْ رَحْمَتُكَ بِالْمُسِيئِينَ، وَكَمْ قَدْ شَمِلَ عَفْوُكَ الظَّالِمِينَ» (دعای ۳۹).

«لَا يُرَدُّ سَخَطُكَ إِلَّا عَفْوُكَ، وَلَا يُجِيرُ مِنْ عِقَابِكَ إِلَّا رَحْمَتُكَ» (دعای ۴۸)

در مثال‌های بالا، ویژگی‌های انسانی، چون «راه رفتن»، «آرام کردن»، «مانوس ساختن»، «مقابله کردن» و «پناه دادن»، راهگشای درک مفهوم «رحمت» گشته است. لمس حقیقت «رحمت» و دیگر مقوله‌های عام انتزاعی هدف در بستر جاندارپنداری، در گفتمان صحیفه سجادیه، به‌وفور ملاحظه می‌شود؛ پدیده‌هایی که در چارچوب فعالیت‌های انسانی عینی و

1) Personification.

قابل تجسم گشته‌اند. چنان‌که در نمونه سوم مشاهده می‌شود، مقوله «رحمت» از نیروی حرکتی و در نمونه چهارم از نیروی مقاومت و بازدارندگی بهره‌مند است و بنده خطاکار به مدد این نیرو، از عقاب الهی در امان می‌ماند. قائل شدن حرکت، نیرو، قدرت و غیره برای مفهوم «رحمت» در آیات قرآن نیز ملاحظه می‌شود (کهف/ ۱۰؛ حدید/ ۱۳؛ آل عمران/ ۸). به‌طور مشخص، در قرآن مشاهده می‌شود که کارکرد مادی و ذهنی واژه «رحمه» تحت تأثیر مؤلفه‌های حرکتی و هم‌نشینی با حروف مسيرنما و یا افعالی مشتمل بر جزء حرکتی، تغییر می‌کند. (بهروزی و شیرازی، ۱۳۹۹: ۳۶)

در نمونه‌های زیر نیز با انتساب ویژگی‌های انسانی به «رحمت»، درک این مفهوم مجرد ذهنی امکان‌پذیر شده است:

«اللَّهُمَّ يَا مَنْ بِرَحْمَتِهِ يَسْتَعِيثُ الْمُذْبُونُونَ» (دعا/ ۱۶)، «وَالْمُعَافِينَ مِنَ الْبَلَاءِ بِرَحْمَتِكَ» (دعا/ ۲۵)، «وَاجْعَلْنَا فِي نَظْمٍ مَنْ اسْتَحَقَّ الرَّفِيعَ الْأَعْلَى بِرَحْمَتِكَ» (دعا/ ۴۴)، «اللَّهُمَّ فَكَمَا جَعَلْتَ قُلُوبَنَا لَهُ حَمَلَةً، وَعَرَفْتَنَا بِرَحْمَتِكَ شَرَفُهُ وَفَضْلُهُ» (دعا/ ۴۲).

شایان توجه است که صفت «رحمت» در مقام یک صفت روحی و عاطفه فردی در انسان نیز وجود دارد. این صفت «مانند دیگر استعدادها و فضائل در ضمیر انسان نهفته است که توجه به مبدأ و آثار آن این عاطفه را بیدار می‌سازد تا آنکه قلب سرچشمه رحمت می‌گردد و از زبان و عمل به‌سوی دیگران جاری می‌شود. اثر تکرار و تذکر همه صفات و نام‌های خداوند همین است که معنا و حقیقت آن در انسان مستعد ظهور می‌نماید.» (طالقانی، ۱۳۶۲: ۱/ ۲۹)

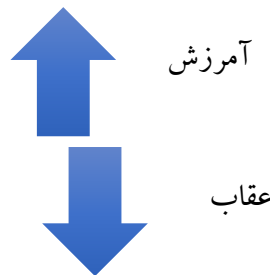
۳-۳. مفهوم‌سازی جهتی (فضایی) «رحمت»

۳-۳-۱. «رحمت» بالا است

جهت‌مندی از جمله روش‌های دیگر مفهوم‌سازی مفاهیم معرفتی و عرفانی در صحیفه سجادیه است. از نگاه صاحب‌نظران علوم شناختی، حرکت و جهت در تجربه فیزیکی و فرهنگی انسان ریشه دارند و بر مبنای جهت‌گیری مکانی سامان می‌یابند. این برهم‌کنش‌های طبیعی پیوسته در زندگی انسان رخ می‌دهند و بسیاری از مفاهیم انتزاعی ما را به‌صورت استعاره‌ی سامان می‌بخشند.

«وَأَنْتَ الَّذِي عَفُوهُ أَعْلَى مِنْ عِقَابِهِ» (دعای ۱۶)
 «مَجْدُكَ أَرْفَعُ مِنْ أَنْ يُحَدَّ بِكُنْهِهِ، وَنِعْمَتُكَ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ تُحْصَى بِأَسْرِهِا» (دعای ۴۴)
 «وَاجْعَلْنَا فِي نَظْمٍ مَنْ اسْتَحَقَّ الرَّفِيعَ الْأَعْلَى بِرَحْمَتِكَ» (دعای ۴۴)
 «فَهَبْ لِي يَا إِلَهِي، مِنْ رَحْمَتِكَ وَدَوَامِ تَوْفِيقِكَ مَا آتَخَذَهُ سُلْمًا أَعْرُجُ بِهِ إِلَيْ رِضْوَانِكَ» (دعای ۴۹)
 در دو مثال اول ذکر شده، لطف و آمرزش الهی به مدد تجربه مکانی در موقعیت بالا

و محنت و سزای الهی در جایگاه پایین، مفهوم‌سازی شده که حاکی از سبقت رحمت از عذاب الهی است و گویی یک فاصله طولی میان این دو مفهوم متقابل تداعی شده است. از نگاه زعمای استعاره‌شناختی «جهت‌گیری به سوی بالا با ارزشیابی مثبت و به سمت پایین با ارزش‌گذاری منفی همراه است» (کوچش، ۱۳۹۸: ۷۲)؛ به این ترتیب، مکان‌مندی بخشش خداوند در فرایند پردازش ذهنی در بالا قرار داشته و از باور «بالا خوب است»، سرچشمه یافته است. این مفهوم‌سازی را در باب عظمت خداوند در این بخش از دعا نیز شاهدیم: «لَكَ الْعُلُوُّ الْأَعْلَىٰ فَوْقَ كُلِّ عَالٍ» (دعای ۴۶)



شکل ۳: مکان‌مندی آمزش و عقاب الهی

این قسم از استعاره را در این مثال نیز شاهدیم: «أَنَّ كَرَمَكَ لَا يَضِيقُ عَنْ سُؤَالِ أَحَدٍ، وَأَنَّ يَدَكَ بِالْعَطَايَا أَعْلَىٰ مِنْ كُلِّ يَدٍ» (دعای ۱۳). در این دعا، مقصود از «ید» قدرت خداوند متعال است و استفاده از کلمه «أَعْلَىٰ» نشان از بالا و برتر بودن قدرت خدا نسبت به همه قدرت‌ها است؛ بنابراین اینجا قدرت خداوند در بخشش، بالاتر از قدرت سایر افراد است. قدرت و توانایی پروردگار یک مفهوم مجرد و ذهنی‌ست؛ به همین دلیل، از نقطه فیزیکی «بالا» که نشان از برتر بودن دارد، برای عینی‌سازی این مفهوم انتزاعی استفاده شده است. در آیه شریفه ﴿يُدُ اللَّهُ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ﴾ (فتح: ۱۰) نیز فضا‌سازی قدرت براساس بالا شکل یافته است. گفتنی است، استعاره نزدیک یکی از اقسام استعاره‌های جهت‌محور است که در مفهوم‌سازی فیزیکی عناصر انتزاعی در صحیفه سجدیه، به کار رفته است؛ در واقع، نزدیک و دور از جهاتی هستند که برای مکانی کردن و در نتیجه درک سازماندهی ارتباط انسان و خدا به کار رفته‌اند و شاید از مبانی مفهوم‌سازی دعا محسوب شوند. در نظام ارزشی اسلام، همه چیز نسبت به خداوند سنجیده می‌شود؛ بنابراین، خداوند محوری است که نزدیکی به او ارزش مثبت و دوری از او ارزشی منفی است (پورابراهیم، ۱۳۹۴: ۳۶). برخی از پیشگامان استعاره‌شناختی معتقدند «این سمت‌گیری‌های فضایی اختیاری نیستند و در تجربه فیزیکی- فرهنگی ما ریشه دارند. گرچه ماهیت زوج‌های مخالف بالا-پایین، داخل-خارج و جز این‌ها فیزیکی است، استعاره‌های سمت‌گیری مبتنی بر آن‌ها می‌توانند از فرهنگی به فرهنگ دیگر متفاوت

باشند. برای مثال، در برخی فرهنگ‌ها آینده پیش روی ماست، درحالی‌که در فرهنگ‌های دیگر آینده پشت سر است» (لیکاف و جانسون، ۱۳۹۷: ۲۴). در نیایش‌های صحیفه آنچه موجبات نزول «رحمت» الهی است، دوری از معاصی و طهارت از زشتی‌ها است:

«أَنْ تَقْرَبَ إِلَيْكَ فِيهِ مِنَ الْأَعْمَالِ الزَّكَايَةَ بِمَا تُطَهِّرُنَا بِهِ مِنَ الذُّنُوبِ» (دعای ۴۴)
«أَوْ تَقْرَبَ إِلَيْكَ بِقُرْبَةٍ أَوْجَبَتْ رِضَاكَ لَهُ، وَعَطَفْتَ رَحْمَتَكَ عَلَيْهِ» (دعای ۴۵)
«جُودُكَ مُبَاحٌ لِلْسَّائِلِينَ، وَإِعَاثَتُكَ قَرِيبَةً مِنَ الْمُسْتَغِيثِينَ» (دعای ۴۶)،

در شاهد سوم، امداد الهی از نظر موقعیت مکانی در نزدیک بازنمایی شده است. در قرآن کریم نیز این استعاره مشهود است: ﴿إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ﴾ (اعراف/ ۵۶).

نتیجه‌گیری

با بررسی مفهوم «رحمت» در نیایش‌های صحیفه سجادیه و منشأ قرآنی آن بر پایه استعاره شناختی، نتایج زیر حاصل گردید:

- مفهوم انتزاعی و ذهنی «رحمت» در نظام معرفتی صحیفه سجادیه، در بستر شناخت تجربی و استعاره‌های مفهومی، تعیین یافته است که این نظام‌یافتگی و تجسم در صحیفه سجادیه با آیات قرآن تطابق فراوانی دارد و ریشه و بنیاد بسیاری از این استعاره‌ها را می‌توان در آیات قرآن ملاحظه کرد. مفهوم «رحمت» وارد حوزه‌های «مبدأ»، چون پناهگاه، مقصد، آبشخور، گنجینه، باران، انسان و جهت شده است و براساس الگوهای شناختی، زنجیره‌ای از استعاره‌های «رحمت پناهگاه است»، «رحمت مقصد است»، «رحمت آبشخور است»، «رحمت گنجینه است»، «رحمت باران است»، «رحمت طعم و مزه است»، «رحمت ظرف است»، پدید آورده است که اگرچه ابداعی نیستند، ولی برای بیان تجارب معرفتی و تجسم انتزاعی این مفهوم مؤثر بوده است.

- حضور اقسام استعاره وجودی و جهتی در روشن ساختن مفهوم «رحمت»، ایفای نقش داشته و به نوعی موجب انتقال این مفهوم انتزاعی شده است. بیش‌ترین راهکار در عینی‌سازی مفهوم «رحمت» در صحیفه سجادیه، مانند آیات قرآن، استفاده از استعاره مفهومی وجودی است. «رحمت» در برخی از نیایش‌های امام به‌مثابه ماده و شیء در نظر گرفته شده است که از ابعاد فیزیکی بهره‌مند است و گاه مکانی است که بنده وارد آن می‌شود. گاه نیز بر مبنای جهت‌گیری فیزیکی این مفهوم به تصویر درآمده است.

- لطف و «رحمت» الهی به مدد تجربه مکانی، در موقعیت بالا و محنت و سزای الهی در جایگاه پایین، مفهوم‌سازی شده که حاکی از سبقت «رحمت» از عذاب الهی است و گویی یک فاصله طولی میان این دو مفهوم متقابل تداعی شده است. تأمل در شاکله درونی این نمونه‌ها، نشان می‌دهد چگونه بسیاری از اقسام استعاره «رحمت الهی» و مقوله‌بندی ذهن از این مفهوم براساس آیات قرآن کریم، شکل یافته است.

کتابنامه

- قرآن کریم، ترجمه..... مکان نشر: ناشر.
صحیفه سجادیه، ترجمه..... مکان نشر: ناشر.
ابن سلام، یحیی (۲۰۰۷)، «التصاریف: تفسیر القرآن مما اشتهت أسماءه وتصرفت معانیه»، ج ۱، تحقیق هند احمد شبلی. عمان: مؤسسة آل البيت.
ابن عاشور، محمد طاهر (۱۴۲۰)، «تفسیر التحرير والتنویر». بیروت: مؤسسه تاریخ العربی.
ارسطو (۱۳۳۷). «هنر شاعری (بوطیقا)»، ترجمه فتح الله مجتبیای. تهران: نشر اندیشه.
افراشی، آزیبا (۱۳۹۷). «استعاره و شناخت». تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
ایزوتسو، توشیهیکو (۱۳۹۸). «خدا و انسان در قرآن»، ترجمه احمد آرام. تهران: شرکت سهامی انتشار.
بهروزی، زهره و سید حیدر فرغ شیرازی (۱۳۹۹). «بررسی طرح واره های تصویری «رحمة» در قرآن بر مبنای رویکرد زبان شناختی جانسون»، پژوهش های ادبی-قرآنی، شماره سوم، صص: ۴۸-۲۷.
پورابراهیم، شیرین (۱۳۹۴). «ساز و کارهای شناختی و نقش آن در مفهوم سازی دعا»، زبان شناخت، سال ۶، شماره اول، صص ۲۷-۴۷.
جانسون، مارک (۱۳۹۶). «بدن در ذهن: مبنای جسمانی معنا، تحلیل و استدلال»، ترجمه میرزابیگی. تهران: آگاه.
درویش، محی الدین (۱۴۱۵). «اعراب القرآن الکریم و بیانہ»، حمص (سوریه): الإرشاد.
راسخ مهند، محمد (۱۳۹۲). «درآمدی بر زبان شناسی شناختی». تهران: انتشارات سمت.
راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد (بی تا). «المفردات فی غریب القرآن»، تحقیق محمد سید کیلانی. بیروت: دارالمعرفة.
زارعی، فاطمه (۱۴۰۱). «بررسی استعاره های مفهومی در صحیفه سجادیه با تکیه بر معناشناسی شناختی»، پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره).
نصرتی، شعبان و محمد رگعی (۱۳۹۹). «معناشناسی شناختی در کاربست متون وحیانی». قم: نشر معارف اهل البيت (ع).
طالقانی، محمود (۱۳۶۲). «پرتویی از قرآن». تهران: شرکت سهامی انتشار.
طباطبایی، محمد حسین (۱۳۷۴). «ترجمه تفسیر المیزان»، ترجمه محمد باقر موسوی. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۰۸). «مجمع البیان فی تفسیر القرآن». بیروت: دارالمعرفة.
عبدالباقی، محمدفؤاد (بی تا). «المعجم المفهرس لألفاظ القرآن الکریم». قاهره: مطبعة دارالکتب المصریة.
زولتان، کوچش (۱۳۹۴). «استعاره در فرهنگ: جهانی ها و تنوع، ترجمه نیکتا انتظام». تهران: انتشارات سیاهرود.
_____ (۱۳۹۸). «استعاره مقدمه ای کاربرد ی»، ترجمه جهان شاه میرزابیگی، ویراست دوم. تهران: آگاه.
لیکاف، جورج و مارک جانسون (۱۳۹۷). «استعاره هایی که با آن ها زندگی می کنیم»، ترجمه جهان شاه میرزابیگی. تهران: نشر آگاه.
ماجد، احمد و سمیر خیرالدین (۲۰۰۷). «الموسوعة السجادیة: المعجم المفهرس لألفاظ الصحیفة السجادیة». بیروت: معهد المعارف الفکریة.
مصطفوی، حسن (۱۳۸۵). «التحقیق فی کلمات القرآن الکریم». تهران: مرکز نشر آثار علامه مصطفوی.
نورمحمدی، مهتاب؛ فردوس آقا گلزاده و ارسلان گلفام (۱۳۹۱). «تحلیل مفهومی استعاره های نهج البلاغه (رویکرد زبان شناسی شناختی)»، مجله انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی، شماره ۲۲، صص: ۱۵۵-۱۹۲.

Bibliography

- The Holy Quran.
Sahifa Sajjadiya.
Abdul Baqi, Muhammad Fuad (n.d.) The Indexed Dictionary of Quranic Terms. Cairo: Dar Al-Kutub Al-Masriyya. [In Arabic].
Afrashi, Azita (2018) Metaphor and Cognition. Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies. [In Persian].
Aristotle (1337) Poetics, translated by Fethullah Mojtabaei, Tehran: Andisheh Publishing House. [In Persian].
Behrouzi, Zahra and Seyed Heydar Far Shirazi (2020) "Investigating the conceptual patterns of 'mercy' in the Quran based on Johnson's linguistic approach." Literary and Quranic Research, 3, 27-48. [In Persian].
Darwish, Muhyiddin. (1994) Morphology of the Holy Quran and its Explanation. Hama, Syria: Al-Irshad. [In Arabic].
Fazlollah, Mohammad Hossein, (1999) Inspired by the Quran, Beirut: Dar Al-Malak for Printing, Publishing, and Distribution. [In Arabic].
Ibn Ashour, Muhammad Tahir (1999), Tafsir al-Tahrir wa al-Tanweer, Beirut: Institute of Arabic History. [In Arabic].
Ibn Salam, Yahya. (2007) Al-Tasarif: Interpretation of the Quran in terms of its ambiguous names and meanings. Vol. 1. Edited by Hind Ahmad Shibli. Amman: Al Al-Bayt Foundation. [In Arabic].
Izutsu, Toshihiko (2018) God and Man in the Qur'an, translated by Ahmad Aram, Tehran: Publishing Company. [In Persian].
Johnson, Mark. (2017) Body in Mind: The Embodied Basis of Meaning, Imagination, and Reasoning. Translated by Mirzabegi. Tehran: Agah. [In Persian].
Kovecses, Zoltan (2014) Metaphor in Culture: Worlds and Diversity, translated by Nikta Intzam, Tehran: Siahroud Publications. [In Persian].
2019) —————) Introduction to Practical Metaphor, Translated by Jahan Shah Mirzabegi, 2nd Edition, Tehran: Agah. [In Persian].
Lakoff, G. (1992) "The Contemporary Theory of Metaphor", In A. Ortony (Ed.), Metaphor and Thought, (pp.202-251), Cambridge University Press.
Lakoff, George; Johnson, Mark, (2018) Metaphors We Live By, Translated by Jahan Shah Mirzabegi, Tehran: Nashr Agah. [In Persian].
Majid, Ahmed; Khair al-Din, Sameer, (2007) The Sajjadiyya Encyclopedia: The Indexed Lexicon of Sajjadiyya Terms, Beirut: Ma'had Al-Ma'arif Al-Fikriyya. [In Arabic].
Mostafavi, Hassan, (2006) Investigation of Quranic Words, Tehran: Markaz Nashr Athar Al-ameh Mostafavi. [In Arabic].
Nourmohammadi, Mahtab; Aghagolzadeh, Firdous; Golfam, Arsalan, (2012), "Conceptual Analysis of Metaphors in Nahj Al-Balagha (A Cognitive-Linguistic Approach)," Iranian Journal of Arabic Language and Literature, No. 22, pp. 155-192. [In Persian].
Nusrati, Shaban and Mohammad Rokkai (2019) Cognitive Semantics in the use of religious texts, Qom: Maarif Ahl al-Bayt. [In Persian].
Pourebahim, Shirin. (2015) "Cognitive mechanisms and their role in conceptualizing prayer." Zabanshenakht, 6(1), 27-47. [In Persian].
Raghib Isfahani, Abul Qasim Hussein. (n.d.). The Vocabulary of the Quran's Strangeness. Edited by Mohammad Sayyid Kilani. Beirut: Dar Al-Ma'arif. [In Arabic].

- Rasikh Mohand, Mohammad. (2013) An Introduction to Cognitive Linguistics. Tehran: Samt Publications. [In Persian].
- Tabarsi, Fadl ibn Hasan. (1989) Majma al-Bayan fi Tafsir al-Quran. Beirut: Dar Al-Ma'arif. [In Arabic].
- Tabatabai, Mohammad Hussein. (1995) Translation of Al-Mizan Interpretation. Translated by Mohammad Baqer Mousavi. Qom: Islamic Publications Office. [In Persian].
- Taleghani, Mahmoud. (1983) A Glimpse of the Quran. Tehran: Publishing Company. [In Persian].
- Zarei, Fatemeh. (2022) "Investigating conceptual metaphors in Sahifa Sajjadiya based on cognitive semantics." Master's thesis, Imam Khomeini International University. [In Persian].